

اقتصاد مقاومتی

دکتر محمد جواد ایروانی

سخنرانی پیش از خطبه نماز جمعه

۹ اسفندماه ۱۳۹۲

بسم الله الرحمن الرحيم

الصلوة والسلام على سيدنا و نبينا ابوالقاسم المصطفى محمد(ص) و على آله الطيبين الطاهرين

المعصومين

سلام و درود خدا به روح پرفتوح معمار و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام راحل، سلام و درود بر ارواح طیبه شهدای انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی و شهدای هسته‌ای، سلام و درود به پیشگاه حکیم فرزانه و خردمند، راهبر نظام مردم‌سالاری دینی جمهوری اسلامی ایران مقام معظم ولایت امری؛ سلام و درود بر شما نمازگزاران شریف نماز جمعه تهران.

استحضار دارید که یکی از دغدغه‌های مهم مقام معظم رهبری در سالیان اخیر توجه به اقتصاد، توجه به وضعیت اقتصادی مردم و توجه به سامان‌دهی و برنامه‌ریزی در حوزه توانمندسازی ساخت اقتصاد ایران و همین‌طور توانمندسازی آحاد جامعه در زمینه اقتصادی بوده است. از پنج سال قبل یعنی سال ۱۳۸۷ را مقام معظم رهبری سال نوآوری و شکوفایی اعلام کردند و سال بعد شعار حرکت به سوی اصلاح الگوی مصرف را مطرح نمودند و اتفاقات خوبی در این حوزه آغاز شد که بایستی تکمیل بشود و سال ۱۳۸۹ سال همت مضاعف و کار مضاعف نام گرفت. در ششم شهریور ماه همان سال ایشان برای اولین بار واژه اقتصاد مقاومتی را طرح موضوع کرده و ضرورت آن را مطرح نمودند. متعاقب آن در سال ۱۳۹۰ سال جهاد اقتصادی اعلام شد. ایشان تبیین جهاد اقتصادی را در جمع کارکنان و متخصصان و مهندسين و کارکنان صنعت نفت در عسلویه مطرح کردند که اگر هر تلاشی که با نیت خدایی باشد، برای اعلای کلمه حق باشد و در جهت عزت بخشیدن به امت اسلامی و ملت مؤمن و مسلمان ایران باشد حکم جهاد فی سبیل الله را دارد و عظمت و برکات جهاد فی سبیل الله را در بر دارد. بنابراین هر زمان جهاد اقتصادی و حرکت جهادی در اقتصاد مقاومتی مطرح می‌شود منظور تلاش و کوشش فراگیر با نیت خیر و برای گسترش پایه‌های اقتصاد و توانمندسازی مردم هست.

در سال بعد از آن که ۹۱ بود سال «تولید و حمایت از کار و سرمایه ایرانی» نام گرفت که یکی از ضرورت‌های مهم کشور بود. توجه به تولید داخلی، برنامه‌ریزی‌هایی هم صورت گرفت سیاست‌های کلی هم در این رابطه تدوین شد به تصویب ایشان رسید و ابلاغ شد و سال جاری که سال حماسه سیاسی و حماسه اقتصادی مطرح گردید همه این فرازهایی که ملاحظه می‌فرمایید در یک منظومه فکری منسجم هست که نگاه و رویکردش در واقع یک توجه به توانمندسازی اقتصادی و تقویت ساخت اقتصاد کشور را هدفگیری می‌کند.

نظام مقدس جمهوری اسلامی برای رسیدن به آرمانها و اهداف عالی خود برنامه‌ریزی راهبردی دارد با محوریت قانون اساسی و سیاست‌های کلی که توسط مقام معظم رهبری پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام تصویب و ابلاغ می‌شود. بنابراین از نظر حقوقی خیلی مهم است که بدانییم سندهای سیاست کلی پایین دست قانون اساسی و بالادست تمامی قانون‌گذارها، مقررات‌گذارها، آئین‌نامه‌ها، بخشنامه‌ها، دستورالعمل‌ها هست. بنابراین سند سیاست‌های کلی همان طور که از اسمش پیدا است خط دهنده به مسیر حرکتی آینده و در اقتصاد مقاومتی مسیر حرکتی آینده اقتصاد را روشن می‌کند و یک امر تعارفی نیست. تمامی قوانین و مقررات نه تنها نبایستی مغایر سیاست‌های کلی باشند بلکه بایستی فراهم کننده و تسهیل کننده اجرای این سیاست‌های کلی باشند و باید آن به مرحله اجرا نزدیک بکنند بنابراین این سیاستها الزام‌آور هست و برای به ثمر نشستن تدوین شده و همه قوا و دستگاههای حاکمیتی و حتی آحاد جامعه مخاطب این سیاستها می‌باشند تا رشد پایدار را به دست بیاوریم. اما سیاستهای اقتصاد مقاومتی یک ابتکار عمل آگاهانه است، آینده‌نگر، جامع و پیشرفت‌محور است و انسجام بخش بخشهای مختلف اقتصادی و حتی سایر بخشها هست. برخلاف آنچه بعضی‌ها آن را با برنامه ریاضتی تطبیق می‌کنند به هیچ وجه این طور نیست برنامه ریاضتی یک برنامه منفعل، تحمیلی از طرف اتحادیه اروپا به کشورهای اروپایی بود بعد از اینکه بحران آمریکا به اروپا رسید و دچار مشکلات شدند. این برنامه را تحمیل کردند کارگران را بیکار می‌کردند، کارمندان دولتی، دستگاههای دولتی را تعطیل می‌کردند شهرداریها محدود می‌شد اینک می‌گفتند فلان شهر در ایتالیا ورشکست شده ناظر به اتخاذ برنامه ریاضت‌گونه بود و اساساً عنوان «اقتصاد ریاضتی» به آن مفهوم نداریم اما اینجا می‌بینیم که اقتصاد مقاومتی برنامه‌ای است که

اجزاء مختلف اقتصاد را در خدمت همدیگر و در پیوند با همدیگر قرار می‌دهد یعنی سیاستهای تجاری در خدمت تولید باید باشد یعنی صرفاً واردات محور نباشد که با واردات غیرضرور به تولید ضرر می‌زند، بلکه صادرات محور می‌باشد که کمک بکند به تولید شما ببینید تولیدکننده که تولیدش بالا می‌رود بعد از اینکه نیازهای داخل کشور را تأمین کرد مشکلیش بازار کردن کالایش است سیاستهای تجاری باید به آن کمک کند ما الان معافیت معالیاتی برای صادرات داریم، با انواع کمکها و حمایتها می‌توان در رابطه با کشورهای دیگر، دیپلماسی تجاری را برقرار کرد، بنابراین صادرات محور کردن سیاستهای تجاری در واقع سیاستهای تجاری را در خدمت تولید قرار می‌دهد. اجزاء و مؤلفه‌های مختلف اقتصاد ناپیستی جزیره‌ای عمل کنند بخش تولید برای خود باشد، بخش پولی و بانکی راه خودش را برود، بخش تجاری راه خودش را برود، حتی بخش فرهنگی هم بی‌اعتنا به مسائل تولیدی باشد. بنابراین اقتصاد مقاومتی این بخش‌ها را در خدمت همدیگر قرار می‌دهد و یک ادبیات و رویکرد و مکتب جدیدی را در واقع معرفی می‌کند که آثارش در آینده در میان مدت و حتی می‌تواند برخی از آثار آن در کوتاه مدت باشد. ضمن اینکه درجه تاب‌آوری اقتصاد را بالا می‌برد که دشمن کمتر طمع کند که در حوزه‌های اقتصادی به ما آسیب بزند. همان طور که در حوزه سیاسی حضور حداکثری مردم باعث شد انواع فتنه‌ها را از اول انقلاب فتنه‌های قومی در مناطق مختلف کشور، کودتاها با حضور حداکثری و مؤمنانه مردم باعث شد بر عکس نظام مردم‌سالاری دینی ما را در حوزه سیاسی مستحکم‌تر کرد، انواع فتنه‌های پیچیده‌ای که الان هر کدامش یک کشور دنیا را ظرف یکی دو هفته دچار بزرگترین شوک و حتی فروپاشی می‌کند در کشور ما بر عکس حضور مردم باعث اقتدار شد. یعنی این ظرفیت عظیم ملت ایران است. ممکن است فشار روی یک ملتی باعث عقب‌نشست آن بشود ولی ملت ایران برعکس مثل یک آتشفشان خاموش می‌مانند که اگر بیگانگان و دشمنان اسلام و قرآن بخواهند با او مقابله بکنند برعکس واکنش نشان می‌دهد و آن را تبدیل به یک ظرفیت عظیم برای تقویت پایه‌های استحکام خودش می‌کند همین طور در حوزه اقتصادی هم حضور حداکثری مردم که سیاست اول در این سند است حضور حداکثری مردم در حوزه اقتصادی و حضور با نشاط آنها و ارتقاء نقش و درآمد افراد کم‌درآمد و متوسط هدفگیری شده و باعث می‌شود که اقتصاد ما قوی‌تر و مستحکم‌تر و پایدارتر بمانند و دشمن طمعی به آن نکند. اقتصاد مقاومتی با تسهیل‌گری

که دولت و بخشها فراهم می کنند می تواند باعث مردمی کردن اقتصاد باشد و این اقتصاد معطوف به شرایط تحریم هم نیست. ما تحریم همیشه داشتیم ممکن است در آینده تحریم نباشد یک مشکل دیگری باشد کشورها الان با انواع بی نظمی های بین المللی مواجه هستند یک بار جنگ ارزی درمی گیرد. انواع این ترندها در اقتصاد دنیا است هر اقتصادی که نیرومند باشد خودش را برای آن شرایط مهیا می کند و واکنش هوشمند و فعال و سریع انجام می دهد.

همان طور که می دانید قدرت نظام حاکی از قدرت اجزاء آن است. در حوزه باورهای دینی عمیق ملت ایران، در حوزه فرهنگی، فرهنگ طولانی دیرپای ما، در حوزه سیاسی، در حوزه اجتماعی، در حوزه اقتصادی و فنی؛ همه این مؤلفه ها، اجزاء تشکیل دهنده قدرت نظام هست. در واقع سیاستهای اقتصاد مقاومتی از این حیث به آن درونزا می گویند به خاطر اینکه به این ظرفیتها و این مؤلفه های درونی تکیه می کند و می خواهد این ظرفیتهای عظیم را به فعل در بیاورد که کار بسیار مهمی است و با این ویژگی درونزایی کلیت نظام قوی تر و مقدرتر می شود. در عین حال یک صفت دیگری که در اقتصاد مقاومتی هست برون نگری هست که این برون نگری ناظر به این است که وقتی شما این ظرفیتها را به فعل در آوردید در حوزه اقتصادی و صادرات باید به بازارهای خارجی توجه کنید، بایستی روابط دوجانبه و سه جانبه ای، روابط همسایگی منطقه ای، بین اسلامی و بین المللی را هدف گیری کنید که اجناس و محصولات و خدمات را بازار بکنید. بنابراین اقتصاد مقاومتی یک سیستمی نیست که خود آن محصور و محاصره خودمان باشیم و به بیرون توجه نکنیم بلکه جهانی فکر کنیم ولی بومی عمل کنیم و به داشته های خودمان توجه بکنیم. حالا چرا در این ۵ ساله اخیر به مسائل اقتصادی توجه و بالاخره سند اقتصاد مقاومتی که تأیید نهائی و ابلاغ شده مطرح است، خوب است که ما در حوزه اقتصادی این مؤلفه ها را مرور کنیم. بعد از ۳۵ سال از انقلاب ما به کجا رسیدیم اولین داشته و سرمایه عظیمی که ما داریم سرمایه جمعیت است، جمعیت یک مؤلفه عمده است آقای برژینسکی مشاور امنیت ملی کارتر در سال ۲۰۰۳ به دولتمردان آمریکا گفت که راجع به مسئله هسته ای با ایران چالش نکنید. اینها رشد جمعیتشان کم می شود و در آینده جمعیتی شان میرا می شود دیگر آن مؤلفه قدرت را ندارند ببینید تا چقدر رصد می کنند که مثلاً که در آینده دوری ما این مؤلفه قدرت را نداشته باشیم من به شما عرض می کنم با یک معیار

جمعیت جوان ما ۳۱/۵ درصد جمعیت ما را تشکیل می‌دهد یعنی بین سن ۱۵ تا ۲۹ سال، با یک معیار دیگری که افراد بین ۱۵ تا ۳۵ سال را می‌گویند ۴۲ درصد جمعیت ما جوانان هستند این نسبت در هیچ جای دنیا نیست این عامل بسیار مهم برای پیشرفت کشور است بنابراین جمعیت کشور ما که نسبت به اول انقلاب دو برابر شده قدرت جوانی‌اش بالا رفته، حالا سرمایه علمی را در نظر بگیریم. ما اوایل انقلاب یکصد و بیست هزار دانشجو داشتیم جمعیت ما الان دو برابر شده ولی تعداد دانشجویان ما بیش از ۲۵ برابر شدند خیلی رقم مهمی است. یعنی ۴/۴ میلیون دانشجو ما داریم. یعنی ۱۰ میلیون فارغ‌التحصیل و متخصص داریم و تعداد اعضای هیأت علمی دانشگاه ما ۵۵۰۰ نفر بودند در سال ۱۳۵۸، الان که جمعیت دو برابر شده ولی تعداد اعضای هیأت علمی بیش از ۶۴ هزار نفر شدند. در حوزه فرهنگی-دینی خودتان دیگر بهتر می‌دانید چقدر ما رشد کردیم تازه در آمارهای علمی ایران بخش مهمی از فعالیتهای حوزه دینی ما وجود ندارد و گرنه رتبه علمی ما در جهان بالاتر است؛ برای این تحول عظیم در سرمایه علمی است که ما پانزدهمین قدرت علمی جهان شدیم چیزی که قبل از انقلاب خوابش را نمی‌دیدیم، این ارتقاء عظیم سرمایه علمی باعث شد رتبه ما در جهان پانزدهم بشود و در منطقه قرار بود در سال ۱۴۰۴ ما رتبه اول در علم را داشته باشیم ولی ما در سال گذشته این رتبه را بدست آوردیم و از طرف دیگر در شرکتهای دانش‌بنیان که اصلاً قبل از انقلاب مقوله مطرحی نبود الان ۳۰۰۰ شرکت دانش‌بنیان در پارکهای علمی و فن‌آوری داریم و در ۶۰۰۰ شرکت دانش‌بنیان در بیرون پارکها داریم، ۱۷۰۰۰ متخصص در این شرکتها دارند فعالیت می‌کنند، من دوست دارم به شما عزیزان نمازگزار یک نکته راجع به آمار عرض کنم؛ ببینید این مغزهای امپراطوری سلطه دستور کارشان در رابطه با ایران به ویژه در حوزه اقتصاد سیاه‌نمایی است حالا ببینید با چه تکنیکی اینها سیاه‌نمایی می‌کنند گاهی ما بازی می‌خوریم در میدان آنها بازی می‌کنیم، فرض کنیم در کسب و کار به یک روش در یک شاخص جهانی حالا ما صد و چهلم هستیم در ۱۸۰ کشور می‌گویند در ۱۴۰ کشور ایران آخر است. در شاخص توسعه انسانی ما اول انقلاب یعنی سال ۵۷ رتبه صد و دهم بودیم الان ۲۲ رتبه ارتقا پیدا کردیم شدیم هشتاد و هشتمین کشور جهان، رتبه‌مان بسیار بهتر شد. ولی وقتی خبرش را می‌دهند می‌گویند در ۸۸ کشور ایران آخر است. نمی‌گویند در میان ۱۹۰ کشور است. اصرار دارند بگویند آخر. در رتبه علمی در میان ۱۹۰ کشور هم

پانزدهم هستیم، می‌گویند در ۱۵ کشور ایران رتبه آخر است. این گزاره‌های خبری را منفی می‌کنند گاهی رسانه‌های ما هم غفلت می‌کنند. این را می‌خواهند القا کنند و این باور عظیم ملی و این حرکت طوفانی را می‌خواهند کم‌نمائی کنند مردم را مأیوس بکنند در بسیاری از آمارها شما ملاحظه می‌کنید و آخرین مورد در حوزه علمی سرعت رشد علمی ما ۱۱ برابر متوسط سرعت رشد علم در جهان است. اینها همین جوری بوجود نیامده در این ۳۵ سال، به برکت انقلاب اسلامی توجه ویژه‌ای به آموزش و آموزش عالی شد و سالها در بودجه جاری هم که ماها نق هم می‌زنیم که بودجه جاری و هزینه‌ای بالا رفته ولی بودجه جاری بخش عمده‌اش آموزش است که در دنیا به آن می‌گویند سرمایه‌گذاری، می‌گویند کشوری که بخواهد رشد کند باید آموزش بالا رود این هزینه‌ها اینها جنبش سرمایه‌گذاری است به برکت این سرمایه‌گذارها ما این فارغ‌التحصیلان را داشتیم و این جهش علمی معطوف به آنها است. حالا چگونه این دستاوردهای علمی را باید به تولید و ثروت تبدیل کنیم. این چیزی است که سند اقتصاد مقاومتی هدف‌گیری می‌کند. محور دیگر از سرمایه‌های ملی سرمایه‌های اقتصادی و قدرت اقتصادی است. اقتصاد ایران به شهادت آمارهای بانک جهانی هفدهمین قدرت اقتصادی جهان ما هستیم و البته رشد جمعیت ما هم همواره رشد خوبی بوده که به هر حال بخشی از امکانات فراهم شده در اثر رشد اقتصادی را جذب می‌کند. به هر حال مجموع ذخایر نفت و گاز ایران با اکتشافات اخیر که در دریای عمان شد ما صاحب بیشترین ذخایر و ثروت نفت و گاز جهانی هستیم به همین جهت هم شما می‌بینید در این سند فراز عظیمی برای توسعه صنعت نفت و گاز دیده شده و اینکه کل زنجیره تولید فعال بشود ما فقط نفت خام صادر نکنیم و فقط مواد خام گاز صادر نکنیم بلکه تبدیل به پتروشیمی و فرآورده‌های پتروشیمی بشود یعنی تا آخر زنجیره صنایع تکمیل و هم اشتغال ایجاد می‌شود و هم ارزش افزوده و ثروت عظیمی را نصیب کشور می‌کنید. در حوزه کشاورزی با وجودی که مصرف دو برابر به لحاظ رشد جمعیت داریم، رشد خیلی زیادی داشتیم و صادرات کشاورزی ایران رقم قابل توجهی شده، و تا نزدیک ۸۸ درصد محصولاتی که موردنیاز ما هست از داخل تأمین می‌کنیم. صنایع لبنی همواره یک قلم وارداتی بود الان در این حوزه ما صادرکننده شدیم تنوع محصولات داشتیم و برند محصولات ایرانی در منطقه خواهان زیادی دارد و در بقیه کشورهای جهان خریدار دارد. در حوزه صنعت در صنایع گوناگون که من برای اختصار اشاره

زیاد نمی‌کنیم خودتان می‌دانید صنایع نانو، صنایع تجهیزات پزشکی، صنایع حوزه نفت و گاز، صنایع هوا فضا که خیلی پیچیده است، صنایع هسته‌ای که پیچیده‌ترین نوع صنعت است و درآمد عظیمی برای کشور ما همین صنایع هسته‌ای ایجاد می‌کند و قدرتهای دیگر جهانی از آن بهره‌برداری می‌کنند و همین طور بیشترین بهره‌مندی‌شان از صنایع هسته‌ای هوای پاک است ولی به ما که می‌رسند می‌گویند نه این چیز خوبی نیست و صلاح نیست ایران صنعت هسته‌ای داشته باشد. چطور زمان آن (شاه) مقبور، خودتان (اروپائی‌ها) داوطلب شدید و آمدید که بوشهر را بسازید برای ایران لازم بود ولی انقلاب شد صنعت هسته‌ای چیز بدی شد. این تناقضات را غربیها نمی‌دانند به کجا ببرند؛ در حوزه صنعت به دو مورد دیگر اشاره می‌کنم یکی صنعت سیمان است می‌دانید صنعت سیمان و تولید و مصرف سیمان یکی از شاخصهایی است که درجه بازسازی کشور و ایجاد زیربناها را معرفی می‌کند ما ۷ میلیون تن سیمان در سال ۵۷ تولید می‌کردیم ۲ میلیون تن هم وارد می‌کردیم تصور کنید ظرفیت این صنعت سال گذشته از ۸۰ میلیون تن عبور کرد بخش کمی از سیمان را صادر می‌کنیم که جزو صادرکنندگان عمده سیمان دنیا هم هستیم بقیه‌اش در این کشور مصرف و ساخت و ساز می‌شود، کشور پهناور ما که به اندازه ۱۸ کشور است خیلی وسعت دارد و کار زیربنایی در آن خیلی زحمت و انرژی و منابع می‌برد این رشد تولید سیمان و مصرف سیمان خودش یکی از این شاخصها است ضمن اینکه پنجمین تولید کننده سیمان جهان هستیم یکی از بزرگترین تولیدکنندگان کارخانجات سیمان جهان هستیم و پیمانکاران ما در کشورها دیگر کارخانجات سیمان می‌سازند که این ظرفیت عظیم پیمانکاران ایرانی است. در سدسازی هم یکی از ۵ سدساز بزرگ جهان پیمانکاران ایرانی هستند که تعداد کثیری سدسازی بعد از انقلاب در کشور ما شد که قابل مقایسه با قبل از انقلاب نیست و این نشان می‌دهد که چه ظرفیت عظیمی الان در کشور موجود است و بیشتر پروژه‌ها در ایران انجام شده و بایستی برای حضور پیمانکاران ایرانی در بازارهای بین‌المللی تسهیل بشود و نکته دیگری که می‌خواهم عرض کنم حوزه راه است اول انقلاب ما ۴ هزار کیلومتر راه آهن داشتیم که به برکت انقلاب اسلامی این ۲/۵ برابر شده یعنی هم اکنون ۱۰ هزار و چهارصد کیلومتر راه آهن داریم و این سرمایه خیلی خوبی است که باز هم دارد به سرعت جلو می‌رود و در راه‌های اصلی و فرعی ما در سال ۱۳۵۷، سی و شش هزار کیلومتر راه داشتیم و پس از انقلاب

۳۳ برابر شده یعنی الان یک میلیون و یکصد هزار کیلومتر راه داریم و این توسعه راهها یعنی فعالیتهای اقتصادی، یعنی کالاهای اقتصادی به خوبی می‌تواند به بازارهای ملی خودمان در مناطق مختلف و یا به بازارهای خارجی جابجا بشود؛ زیرا که بزرگترین سرمایه دیگر ما در واقع سرمایه و موقعیت جغرافیایی ما است که در چهارراه جهان واقع شدیم ما راه آهن‌مان را به ترکمنستان وصل کردیم، راه آهن‌مان در محور شرق به غرب به پاکستان وصل شده و قرار است راه آهن به عراق وصل بشود که خطوط ترانزیتی شرق و غرب را در واقع تکمیل می‌کند راه آهن از آستارا به قزوین فقط ۱۵ درصد آن مانده که این راه آهن ترانزیتی کامل بشود و اینها یک معنای بزرگ اقتصادی دارد علاوه بر انتقال مسافر و کالا ما خطوط گاز و نفت برای ترانزیت گاز و نفت در دسترس‌مان داریم و بایستی آنها را تکمیل بکنیم. ظرفیتهای ترانزیتی ایران طبق یکی از مطالعاتی که انجام شده در مجموع ۱۰ میلیارد دلار ارزش افزوده برای کشور ما دارد و در سند اقتصاد مقاومتی به مسئله تکمیل زیرساختهای ترانزیتی توجه شده؛ و نکته دیگری که می‌گویم یکی از آرزوهای اقتصاددانها در ایران و در هر کشوری که اقتصاد تک پایه دارد و یا صادرکننده نفت است این است که این نفت چون قیمتش قیمت بین‌المللی است کاهش آن در بودجه کشور در ریال بودجه کشور تأثیر می‌گذارد و ثبات آن را بهم می‌ریزد و حتی افزایش آن به شهادت تاریخ اقتصاد ایران هم باعث شده ما مصرف بیشتری در آن سالها بکنیم و تورم بیشتری در واقع ایجاد شود به خاطر اینکه تورم را مهار کنیم کالا وارد کردیم واردات انواع کالا هم به تولیدات ضربه می‌زند یعنی یک چرخه منفی؛ سه سال قبل با تصویب مقام معظم رهبری صندوق توسعه ملی ایجاد شد، صندوق توسعه ملی ایران بیش از ۵۶ میلیارد دلار سرمایه‌اش دارد چه کار می‌کند هر سال یک سوم درآمدهای ارزی را به جای اینکه خرجش بکنیم در این صندوق گذاشته می‌شود برای سال آینده هم ۳۱ درصد ارز کشور به صندوق توسعه واریز می‌شود، و این سرمایه برای تولید و سرمایه‌گذاری صرفاً وام‌دهی می‌شود یعنی دیگر ارز یک بار مصرف نیست آن روند گذشته متوقف شده که ما بگوییم مابه‌ازای آن هم کاری نشد مصارف صندوق به صورت وام ارزی است و مابه‌ازاء آن هم ارز توسط وام‌گیرنده بازپرداخت می‌شود یعنی کالای تولیدی باید توجیه اقتصادی داشته باشد بازار خارجی داشته باشد و بتواند وام را بازپرداخت کند این یک انقلاب مهم در اقتصاد ایران است؛ و حالا که به این سرمایه‌های صندوق ذخیره ارزی

اشاره کردم باید بگویم هیچ گاه تاریخ معاصر ایران شاهد نبوده که بانک مرکزی آن بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار ذخیره داشته باشد و در عین حال ۵۶ میلیارد دلار هم سرمایه صندوق توسعه ملی دارد که کارکردش از نظر بنده حقیر خیلی مهمتر از خود مبلغ آن است یعنی بهره‌ور کردن اقتصاد، رونق تولید، این خیلی مهم است که ما با یک روش در واقع ورق را برگردانیم که این سیاستهای اقتصاد مقاومتی عمدتاً معطوف به بهره‌وری است که مثلاً بودجه ارزی ما را بهره‌ور بکند؛ نظام خرج کرد سرمایه‌گذاریه‌های عمرانی ما را بهره‌ور کند، چه کسی گفته که همه سرمایه‌گذاری عمرانی را دولت انجام بدهد چون مابه‌ازاء و برگشت دارد از منابع و با مشارکت مردم بخش خصوصی می‌توانند در قالبهایی سرمایه‌گذاری عمرانی کنند کاری که در ژاپن انجام می‌شود بنده بودجه آنجا مطالعه کردم، بیشتر از بودجه عمومی‌شان بودجه‌هایی است که از منابع مردم حالا یا از طریق سیستم بانکی و پست‌بانکهایی که دارند کار عمرانی را انجام می‌دهند و نیاز چندانی به بودجه دولتی ندارند به هر حال این سیاستها معطوف به بهره‌ور کردن خود نظام مالی دولت هم می‌شود و ضمن اینکه حجم عظیم ذخایر ما دشمنان را مأیوس می‌کند مثل جنگ می‌ماند وقتی می‌بینند عده و عده و مهمات و همه چیز مهیا است دشمن مأیوس می‌شود که با اراده مردم مقابله بکند. در حوزه اقتصاد این ذخایر عظیم به اضافه این سرمایه‌هایی که بنده عرض کردم اگر به خوبی بکار گرفته بشود دشمن را مأیوس می‌کند اینها اعلام کردند ما توقع داشتیم ۴ سال پیش تحریمهای فلج‌کننده ملت ایران را از هم بپاشد ولی نمی‌دانیم چرا این کار نشد چند تا گزارش دیگر من خواندم که دلایلیش را می‌گوید که ما در مورد ملت ایران اشتباه کردیم، آگاهی کافی نداشتیم؛ ببینید الان در حوزه ارزی صادرات و واردات تجارت خارجی یک رقم را بدهم امسال تاکنون ۴۲ میلیارد دلار ما واردات داشتیم، در عوض ۳۷ میلیارد دلار صادرات غیرنفتی داشتیم این یک آرزو بوده در اقتصاد ایران؛ این رقمها مثلاً در سال ۶۴ صادرات غیرنفتی نیم میلیارد دلار بود، سال ۶۵ با تدابیری که آن موقع بکار بسته شد دو برابر شد یعنی فقط یک میلیارد دلار؛ الان ۳۷ میلیارد دلار صادرات غیرنفتی است یعنی این شاخص صادرات به واردات دارد یک به یک می‌شود و این نشان می‌دهد که اقتصاد دارد سالم می‌شود البته همین افزایش صادرات هم یک مقدار عرضه کالاها را محدود و تورم ایجاد می‌کند و اصولاً هر کار تحول‌آفرینی سختی‌هایی هم دارد مثل این که ما به یک بلندی می‌خواهیم برویم به یک تپه‌ای

می‌خواهیم برویم در مراحل رفتن انرژی زیادی مصرف می‌کنیم ولی سراسیمه‌ای که برسیم انرژی کمتری نیاز داریم. ما در این سالها نزدیک قله‌ها هستیم در سالهای بعد سهولت بیشتر، وفور بیشتر، و رفاه بیشتر خواهد بود. مهم این است که روند شاخصهای اقتصادی چگونه است مثل اینکه در یک شاخص تولید ممکن است ما بگوییم رتبه پانزدهم هستیم ولی سال قبلش مثلاً رتبه دهم بودیم این شاخص روند نزولی است. باید مقاطع مختلف زمانی را با هم سنجش کنیم. اما همین رتبه پانزدهم ما اگر از رتبه چهل و دوم به آن رسیدیم یعنی شاخص رو به صعود است آمار تجارت خارجی که نتیجه زحمات در بخشهای صنعت و خدمات است نشان می‌دهد که این شاخصها رو به بهبود هست و با این سیاستها به شدت جهش پیدا می‌کند. من می‌خواهم بگویم غیر از این سرمایه‌ها مهمترین داشته‌های ما باور عمیق دینی ملت ما هست باور انقلابی آنها است و غرور ملی ما، تکافل اجتماعی که در ملت ما وجود دارد، اینها واقعاً قابل تقویم نیست. یک شاخص توسعه یافتگی سازمان ملل را راجع به ایران بگویم؛ می‌گوید سرمایه‌های نفت و گاز ما حدود ۲۲ هزار میلیارد دلار برآورد می‌شود منهای کشفیات دریای عمان، همان گزارش می‌گوید سرمایه جمعی و سرمایه اجتماعی و سرمایه جمعیتی ایران ۱۰ برابر ذخایر نفت و گاز است. این سرمایه به نظر ما عظیم‌ترین سرمایه‌ها است که با آن هم می‌توانیم اقتصاد را رونق بدهیم من معتقد هستم که با چینش مناسب این سرمایه‌ها و مؤلفه‌هایی که الان خدمت شما عرض کردم که همه در تعامل نظام‌واره با یکدیگر باشند یک سیستم ارگانیک که هم خدمت‌رسانی بکنند و هم در خدمت همدیگر باشند در واقع یک هم‌افزایی رخ می‌دهد که خروجی آن بیش از خود این سرمایه‌ها است می‌توانیم بگوییم یک برکت عظیم در آن نهفته است که ما این سرمایه‌ها را بهره‌ورانه به خدمت بگیریم و این سیاستها در واقع به فعل درآوردن این سرمایه‌ها و هم‌افزا کننده این سرمایه‌ها هست. مرور کلی این سیاستها نشان می‌دهد که نقش واقعی و حضور واقعی مردم است که من به آن اشاره کردم و توانمندسازی مردم است، عدالت‌بنیانی هست یعنی ما رشدمان همراه با عدالت است این معنا را مقام معظم رهبری پیشرفت نام‌گذاری می‌کنند من ندیدم ایشان کلمه توسعه را بکار ببرند، ادبیات ایشان پیشرفت است، پیشرفت یعنی چه؟ یعنی مثل توسعه نیست یک بعدی باشد بلکه رشد با عدالت مطرح

است یعنی آحاد مردم از دستاوردهای رشد باید بهره‌مند بشوند تا حرکت همراهی با این رشد را داشته باشند.

حرکت عدالت‌بنیان این است که مثلاً در یکی از فراز سیاستها است بهره‌مندی عادلانه تمامی عوامل سرمایه، کار، ایده، خدمات در زنجیره تولید تا مصرف باشد؛ این درست نیست که مثلاً کسی که تولیدکننده پرتقال است ۴۰۰ تومان هر کیلو به او بدهند بعد که به بازار مصرف می‌رسد ۲ هزار تومان قیمتش بشود. عیبی ندارد همه باید سود ببرند، همه باید به اندازه زحمتی که می‌کشند باید سود ببرند ولی این غیرمتعارف نباشد اگر شما متوازن و سیستمی درست کردید که تولیدکننده بهره خودش را ببرد به شدت تولید خودش را بالا می‌برد تصور کنید اگر به جای ۴۰۰ تومان ۷۰۰ تومان نصیبش باشد باعث می‌شود تولید خود را بالا ببرد کسی هم که توزیع می‌کند به شدت سود می‌برد اگر فراتر از نیاز ملی شد آن وقت صادرکننده به شدت سود می‌برد، یعنی یک‌بازی «برد - برد - برد» همه می‌برند. هم‌راستاسازی منافع فردی، منافع شرکتها و بنگاهی، و منافع ملی مهمترین کاری است که ما در این سیاستها آن را می‌بینیم.

نکته دیگر هم توجه به تولید است و تولیدمحور کردن اقتصاد ملی ما است، بخش واقعی اقتصاد که همان بخش فیزیک تولید کالا است، سیاستها در خدمت بخش تولید است و یک فراز مهم سیاستهای مالی است که باید در خدمت بخش تولید باشد وقتی ما به مردم می‌گوییم به جای اینکه این همه هزینه‌های تشریفاتی، الگوی مصرف را رعایت و به جای مصرف بی‌رویه پس‌انداز و سرمایه‌گذاری شود راههای گوناگون که فراهم می‌شود و یا وقتی در بانکها سپرده گذاشتند بانکها هم باید اینها را به تولید بدهند، نمی‌شود که بخش سوداگری بخش مهمی از تسهیلات بانکهای ما باشد، وقتی که بانکها پس‌اندازها را به تولید دادند در واقع حرکت رشد سرمایه‌گذاری اتفاق می‌افتد رابطه بین اینکه چقدر مصرف می‌کنیم و چقدر پس‌انداز و سرمایه‌گذاری می‌کنیم مسئله مهمی در اقتصاد است روند فعلی را باید برعکس کنیم بعضی گروهها مصرفشان بیش از اندازه است ولی وقتی پس‌انداز، سرمایه‌گذاری و تولید کنند درآمد بیشتر هم پیدا می‌کنند. این شاخصی است که همیشه در کشورها بین مصرف و پس‌انداز مطرح است خوب ما آموزه قرآنی داریم «کلوا واشربوا ولا تسرفوا» یا اینکه «ان المبدرین كانوا اخوان الشیاطین» خوب ما چشم و هم چشمی‌ها و مسابقه در مصرف

داریم که هیچ هنری برای اقتصاد و جامعه ندارد بلکه مهم مسابقه برای تولید و سرمایه‌گذاری هست و در نهایت می‌خواستم عرض بکنم که تحول تولید با بهره‌وری و اصلاح الگوی مصرف است این معنا نزد دولتمردان مهمتر است در سازمانهای دولتی باید هزینه‌ها به اقل ممکن و صرفه‌جوئیها صورت بگیرد زیرا که بقیه هم به آنها نگاه می‌کنند و الگو می‌گیرند همان طور که مقام معظم رهبری در سفر خراسان شمالی مطرح کردند مسئله سبک زندگی مطابق با آموزه اسلامی و الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت باید اصلاح بشود و سیاستهایی که در واقع می‌خواهد اعمال بشود با روحیه همگرایی، با همکاری همه مردم در هر حوزه‌ای مردم می‌توانند همکاریهای خودشان را داشته باشند مصرف کالای ایرانی به منظور ایجاد شغل برای کارگر و جوانان ایرانی هست و مصرف بی‌رویه در کالای خارجی محروم کردن جوانان ایرانی از اشتغال است ما باید منافع ملی‌مان را منافع کشور و منافع جوانان خودمان را در نظر بگیریم نمی‌توانیم یک جا مرتب گله از بیکاری جوانان کنیم، بگوییم شغل ندارند وقتی که به عمل می‌رسیم من که در یک بنگاه هستم من که در یک اداره دولتی هستم من که شخصی کار می‌کنم و یا اینکه مصرف می‌کنم به این مسئله بی‌توجه باشم و نکته آخر و از همه مهمتر نظارت بر سیاستها است که انشاء... در یک قالب منظمی سیاستهای این سند قرار است که نظارت بشود و مطالبه‌گری تحقق همین سیاستها که هر فرازش معانی بسیار بلندی دارد مهم است و کلیه دستگاههای کشوری ما باید نسبت خودشان را و تسهیلگری خودشان را نسبت به تک تک بندهای این سیاستها تعریف کنند و در جهت آن انشاء... تعالی حرکت بکنند این امر خیلی مهمی است مطالبه تحقق اینها توسط شما مردم شریف و مؤمن در واقع یک انقلاب بزرگ هست بنده تصدیق می‌کنم از سالیان خیلی طولانی با سیاست‌گذاری اقتصادی، مسائل اقتصادی و مسائل اقتصاد جهانی بیگانه نیستیم. سیاستهای اقتصاد مقاومتی بسیار مهم و یک رویکرد متمایز هست و دستاوردی برای نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران است.

در پایان برای همه شما آرزوی سعادت و توفیق و سلامتی و طول عمر برای مقام معظم رهبری همراه عزت و سلامت آرزو می‌کنم والسلام علیکم ورحمت‌الله و برکاته.

محمدجواد ابروانی